

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بقاع متبرکه و امامزادگان، جاذبه معنوی آنهاست. این ویژگی زمانی بیشتر جلوه‌گر می‌شود که می‌بینیم افرادی با مذاهب و فرهنگ‌هایی غیراسلامی از راه‌های دور به دیدار این اماکن می‌آیند. از این روست که سفرنامه‌ها از گنجینه‌های ادبی و هنری باارزشی هستند که علاوه بر جذابیت هنری و تاریخی، دارای ظرایف و نکات فراوانی در این مورد هستند. با مطالعه این سفرنامه‌ها می‌توان به وضعیت مکان‌های مقدس و متبرک در جوامع اسلامی و خصوصیات آنها پی برد. به دلیل کثرت و تنوع سفرنامه‌ها، تقسیم‌بندی سفرنامه‌ها راهگشای این تحقیق خواهد بود. در این تقسیم‌بندی می‌توان سفرنامه‌های معاصران را از سفرنامه‌های گذشته و همچنین سفرنامه‌های مذهبی را از غیر مذهبی جدا کرد. مسائل مختلف مربوط به مذهب از قبیل اعتقادات مذهبی، باورهای دینی، نمای ظاهری اماکن مذهبی و شیوه اجرای آداب دینی در داخل مساجد و کلیساها نیز از دید سفرنامه‌نویسان مخفی‌نمانده است که این عوامل نیز می‌تواند بخشی از اجزای این تقسیم‌بندی باشد.

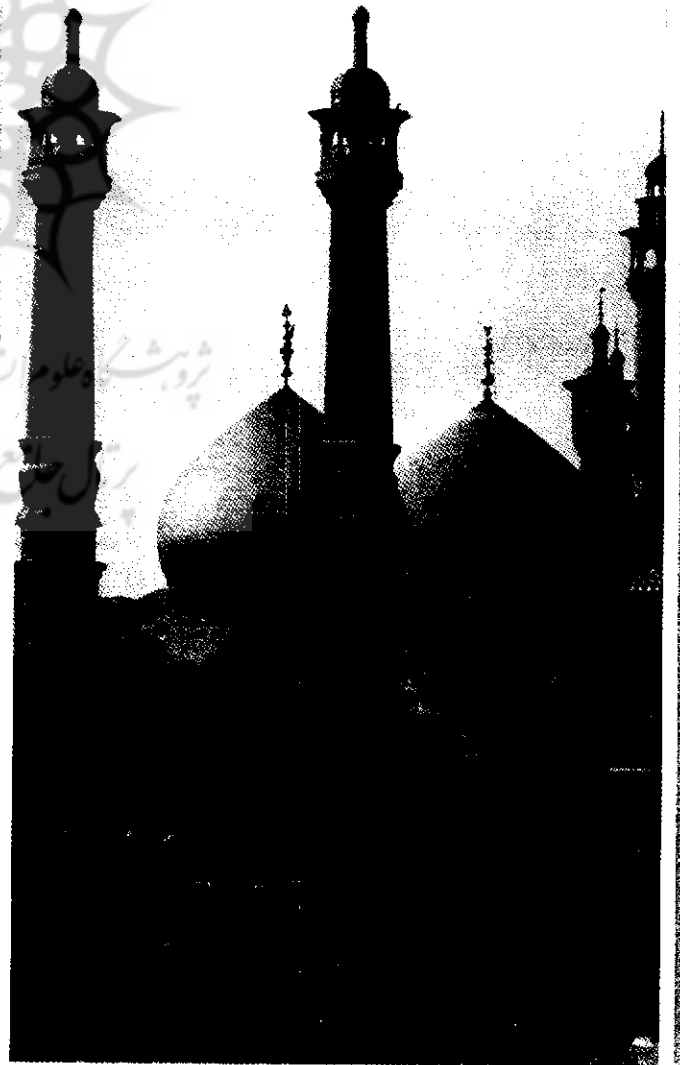
هدف از این تحقیق، آشنایی کلی با نحوه برخورد سفرنامه‌نویسان قدیم و جدید با فضای معنوی شهرهای مذهبی و مقایسه حال و هواهای متفاوت سفرنامه‌نویسان با یکدیگر و یادآوری نکات مهم (مثبت و منفی) مربوط به بقاع متبرکه و اماکن مقدس شیعیان است. از سوی دیگر می‌خواهیم به این نکته اشاره کنیم که اگر به تصویرسازی سفرنامه‌نویسان در بیان واقعیات دقت کنیم، می‌توان با رفع کاستی‌هایی که گاه از دید ما پنهان است، بر جاذبه این اماکن افزود و از این راه روزبه تقویت بنیان‌های دینی یاری رساند.

مجموعه دیدگاه‌ها و سلیقه‌ها در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قم، به دلیل برخورداری از موقعیت ویژه از لحاظ مذهبی و مظاهر فرهنگ و تمدن ایران اسلامی سال‌هاست که دل و دیده میلیون‌ها زائر و سیاح داخلی و خارجی را به خود مشغول کرده است. هر کس که به قم سفر می‌کند با جاذبه‌ها، دیدنی‌ها و شنیدنی‌هایی روبه‌رو می‌شود که ویژه این شهر است. این جاذبه‌ها برای کسی که

از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی

محمود امیری



با آنها آشنایی ندارد، البته بسی افزون تر است. حضور هزاران مرد و زن مؤمن و عاشق بر گرد حرم نبیره پیامبر (ص) نیز برای اکثر بینندگان خارجی همواره پر جاذبه و شگفت‌انگیز بوده است؛ چرا که آنان در ورای این شکوه، حقیقت و معنویتی را دیده‌اند، اگر چه آنان در کنار این اعترافات، گاه از برخی موارد نامطبوع نیز سخن گفته‌اند. هر چند ذهنیت و نوع تربیت این سیاحان سبب می‌شده است که بانگ‌رش خاصی به واقعیت‌ها بنگرند و گاه با انگیزه‌های سیاسی و مذهبی، تعبیر سوء و ناروایی به کار ببرند، ولی صرف نظر از این انگیزه‌های آنها، دیدگاه ناظران خارجی برای ما خالی از فایده نخواهد بود.

می‌دانیم که پای بیشتر این سیاحان و جهانگردان، در آستانه به قدرت رسیدن صفویان به این مرز و بوم باز شده است. عصر جدید اروپا، که همزمان با دوران انحطاط مسلمانان آغاز شد، دیپلماسی فعالی را ایجاب می‌کرد که بتواند ارزیابی دقیقی از پدیده سیاسی اجتماعی نوین، از جمله تحولات دنیای اسلام ارائه کند؛ به ویژه که هیمنه و قدرت امپراتوری عثمانی هنوز هم می‌توانست در برابر طمع‌ورزی‌های آنان از خود مقاومت نشان دهد.

با تجزیه امپراتوری عثمانی این سد شکسته شد و اروپاییان، همچون سیل، به سرزمین‌های اسلامی سرازیر شدند. سرانجام انقلاب صنعتی و نیاز به مواد خام و بازار مصرف، استعمار نورا ناگزیر از خشونت و تهاجم نظامی و دست‌اندازی به ممالک اسلامی ساخت. طلایه‌دار این تهاجمات گسترده، نمایندگان سیاسی و گاه مبلغان مسیحی و پدران روحانی بودند که به منظور شناسایی امکانات و جمع‌آوری اطلاعات و یا زمینه‌سازی برای جلب منافع استعماری به این سرزمین‌ها سفر می‌کردند.

البته در میان غربیان کسانی هم به قصد تفریح و یا از روی کنجکاوی به گشت و گذار می‌پرداختند و خاطرات و مشاهدات خود را ثبت و منتشر می‌کردند، ولی گویا در دوره جدید بیشتر آنان فارغ از انگیزه‌های سیاسی نبوده‌اند. یکی از اینان گارسیا دسیلوا فیگوئرا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، بود که گذری از سوی کاشان به قم داشته است. وی نتوانسته است شکوه و جلال بارگاه حضرت معصومه (س) را انکار کند. از این رو پس از نقل وقایعی، که سخت تردیدبرانگیز است، در این باره می‌نویسد: «... پس از آنکه دیوار مسجد و قسمت پر جمعیت حومه شهر را پشت سر گذاشتیم، به پل بسیار بزرگی رسیدیم... هنگام عبور از پل یکی از حکام در دست چپ جاده و نزدیک شهر بنای مجللی را به سفیر نشان داد که از دور بهترین و باشکوه‌ترین ساختمان شهر می‌نمود. این بنا گنبد و مناره‌هایی داشت که با کاشی‌های الوان پوشیده شده بود، ایرانیان از اشیای گرانبهای این بقعه و معجزاتی که هر روز در آن رخ می‌داد داستان‌ها می‌گفتند؛ از جمله بیان می‌کردند که هر روز عده زیادی بیمار در آن شفایابند و همه این عجایب مرموز وجود بانوی پرهیزگار و عالیقدری بود که پیش‌تر از او سخن گفته‌ایم؛ همان بانو که به دستور وی نزدیک حرم مقصوره یا آرامگاهش کاروانسرای برای پذیرایی از زوار ساخته بودند».

پیترو دل‌واله، جهانگرد ایتالیایی، که کاتولیک متعصبی است، مزار حضرت معصومه (س) را چنین توصیف می‌کند: «می‌گویند خواهر امام رضا، یکی از بازماندگان پیغمبر اسلام، در آنجا دفن است و این خواهر نیز از طرف مردم، مقدس شمرده می‌شود و مدفن او زیارتگاه عمومی است».

یکی دیگر از جهانگردان پراوازه‌ای که بسیار به ایران سفر کرده؛ تاورنیه است. تاورنیه، میان سال‌های ۱۶۳۲ و ۱۶۶۸، شش بار به مشرق زمین سفر کرد و بیش از نُه بار به ایران آمد. تاورنیه ایران را نسبتاً خوب شناخته است؛ زیرا در شش سفر طولانی‌اش با نظری دقیق به همه امور توجه کرده، مشاهداتش را با صراحت و صداقت نگاشته است. او در باره شهر مقدس قم و مساجد آن می‌نویسد: «... قم یکی از شهرهای بزرگ ایران است که در جلگه صافی واقع شده... چیزی که در قم خیلی قابل ملاحظه است، مسجد خیلی بزرگی است که ایرانیان احترام آن را کمتر از مسجد اردبیل به جا نمی‌آورند و در همان جاست که مقبره شاه صفی و شاه عباس ثانی دیده می‌شود، و همچنین مقبره سیدتی فاطمه دختر حسین بن علی فرزند فاطمه زهرا و محمد (ص) می‌باشد».

... مقبره سیدتی فاطمه، نواده محمد (ص)، در آخر مسجد واقع شده است، به طوری که میان دیوار و قبر، یک آدم فقط می‌تواند عبور کند. اطراف قبر، ضریح بزرگی از نقره کشیده شده که شانزده پای مربع مساحت آن است. میله‌های آن گرد و محل تقاطع آنها مانند سیب گرد است. روشنایی چراغ‌هایی بسیار، که از چراغدان‌های طلا و نقره‌ای بی‌شمار نورافشانی می‌کنند، جلوه و تلالو غریبی به این مکان می‌دهد. داخل مسجد تازیر زوایای هشت گوشه، که پایه طاق‌های گنبد روی آن است، تمام از کاشی‌های الوان بسیار اعلاست و طاق گنبد مسجد، به سان طاق درب مدخل آن، از طلا و لاجورد به سبک اعراب نقش و نگار شده است.

در هر طرف مسجد، نزدیک قبر سیدتی فاطمه، تالار بزرگی است برای فقرا و اشخاصی که باید از مطبخ و خیرات سلطنتی غذا بخورند و در آنجا جمع شده‌اند. چنانچه سابقاً گفته‌ام در میان آنها پلو و انواع گوشت‌ها، که در کمال نظافت تدارک شده، تقسیم می‌نمایند.

پربرگ و بارترین سفرنامه در عصر صفویه، سفرنامه شوالیه شاردن است. شاردن فرانسوی در زمان پادشاهی شاه عباس ثانی، و پسر و جانشینش شاه سلیمان، سه بار به ایران سفر کرد و افزون بر دوازده سال در این کشور به سربرد. او جز زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، زبان‌های ترکی و فارسی را نیز می‌دانست.

شاردن در باره اماکن مشرفه شهر تاریخی و مذهبی قم چنین گزارش می‌دهد: «وقتی به قم نزدیک می‌شدیم در هر طرف و هر جا مسجدهای کوچک و مقبره‌هایی که مدفن نبیره‌های حضرت علی بود مشاهده می‌شد. مردم ایران نواده‌ها و نبیره‌های این خلیفه را امامزاده می‌نامند که به مثابه حواریون حضرت مسیح می‌باشند. در سراسر ایران عده زیادی امامزاده مدفونند، و همه در نظر ایرانیان مقدس می‌باشند. در قم و دیه‌ها و آبادی‌های مجاور آن افزون بر چهار صد امامزاده وجود دارد... ده بیت که بدین شرح با آب طلا بر بالای مدخل نوشته شده صاحب مقبره را معرفی می‌کند: تاریخ بنای سردر مقبره حضرت معصومه قم - علیها السلام - : در زمان پادشاهی خیر آفرین شاه عباس ثانی که خدا دوران سلطنتش را پاینده بدارد این در رحمت به روی مردم گشوده گشت چنان دری که هر کس بدان بنگرد بهشت را از یاد می‌برد. بینندگان چنان به خیره و به نظر شگفتی بر این بنا می‌نگرند که آسان نمی‌توانند دیده از دیدنش برگیرند و به سان باد بگذرند. معصوم خلیفه مرشد کامل که خورشید گیتی آرا از پرتو آرای جهان تابش روشنی گرفته وسیله یکی از نواب خود آقا مراد این سه در باشکوه را، که از فرط رفعت و عظمت سر به آسمان می‌ساید، ساخته است. این است گذرگاه ورود به بارگاه رفیع و قدرمند حضرت معصومه که از خاندان جلیل حضرت رسالت - علیها السلام - است. خوشا به حال مؤمنان راستینی که بر این آستان رفیع درجات، که ماه و خورشید بر آن بوسه می‌زنند، سر می‌سایند و آن را زیارت می‌کنند. همچنان که تیر به هدف اصابت می‌کند ملتسمانی که از این آستان فیاض، مراد می‌طلبند البته به آرزوی خود می‌رسند. بی‌گمان تقدیر در برابر بانی و سازنده این درگاه که برای رضای خدا ساخته می‌شود، هرگز مانعی به وجود نمی‌آورد.

حیاط دوم از نظر صفا و زیبایی همسنگ حیاط اول نیست؛ و اطراف حیاط سوم را، که دست کمی از حیاط اول ندارد، بناهای دو طبقه‌ای احاطه کرده که دارای ایوان و مهتابی می‌باشند، و جوی آبی همانند جوی حیاط اول از میان آن جاری است. در وسط حیاط حوض بزرگی دیده می‌شود، و چهار درخت بزرگ و سایه‌افکن در چهار گوشه آن است که روزها بر روی حوض سایه می‌اندازند. این حیاط به وسیله دوازده پله سنگ مرمر به حیاط چهارم مربوط می‌شود. سردر مرتفع حیاط اخیر بسیار عالی و باشکوه است، و قسمت پایین آن با سنگ مرمر سپید، که از روشنی و تابناکی چون سنگ سماق می‌درخشد، آذین یافته است؛ و قسمت بالای سردر که به صورت نیمه گنبد است با نقوش زرین و لاجوردی مزین شده است. در پایین و اطراف حیاط چهارم، حجره‌های بسیاری بنا شده که مانند اتاق‌های سه حیاط دیگر ایوان و مهتابی دارند. در این حجره‌ها طلاب علوم دینی زندگی می‌کنند و هزینه آنان از درآمد اوقاف این استان تأمین می‌شود. عمارت‌های ضریح حضرت معصومه در مقابل بنا شده و شامل سه بنای باشکوه و مجلل است که همه در کنار هم و در یک ردیف قرار گرفته‌اند. مدخل بارگاه میانی، که هجده پامق دارد، در نهایت شکوه و جلال می‌باشد و سردر آن از سنگ‌های

مرمر سپید و شفاف و پر قیمت ساخته شده است. بالای سردر، نیم گنبدی است که سطح رویه بیرونی آن از کاشی های آبی بسیار زیبایی پوشیده شده و سطح داخلش بالاچورد و آب طلا آذین یافته است. اطراف در عمارت، که دوازده پابندی و شش پاپهنا دارد، از سنگ شفاف و روشنی ساخته شده، و سطح در با صفحه ای نقره فام که روی آن با طلا و مینا و قلمکاری مزین گشته، پوشیده شده است. بارگاه حضرت معصومه بنایی هشت ضلعی است که بالای آن گنبدی بزرگ و زیبا و باشکوه برافراشته شده است. سطح داخلی بارگاه از پایین به بالا به قدرشش پا با صفحه های بزرگی از سنگ سماق براق و موجی که روی آنها با طلا و رنگ های زیبای گل کشیده شده پوشیده شده، و در سطوح بالا و رأس گنبد، میله ماندی ضخیم و بلند به درازای تقریبی بیست پا افراشته شده که سر آن منتهی به هلالی است. این میله از گلوله هایی به اندازه های متفاوت که روی هم تعبیه شده تشکیل گردیده است. همه این گلوله ها، که بنا به اعتقاد ایرانیان توپُر می باشند، از طلای بی غش است، و اگر این گفته درست باشد بهای آنها از میلیون ها می گذرد. به هر روی این تزینات، زیبا و دیدنی و بس سنگین قیمت می باشد. این است ترجمه و مفهوم دعاها و کلماتی که در بارگاه آمده است: «خدا همیشه بوده و همیشه خواهد بود، و جز پروردگار همه کس و همه چیز نیست و فنا می شود. حمد و ثنایی که در باره ذات پروردگار نباشد همه بیهوده و باطل است، و هر نعمتی که موهبت الهی نباشد جز سایه و شبحی از نعمت نیست.

پاکبازان و پرهیزکاران نباید به امید پاداش، خدا را ستایش و نیایش کنند. لذت جویی و پاداش طلبی شیوه عاشقان راستین نیست. پیوستن به معشوق پایان آرزو و هدف دلدادگان صادق است، و من از آن از خود گسسته ام تا در دریای بیکران فنا بقا یابم.»

در میان این بارگاه، قبر متبرک و مطهر حضرت فاطمه، دختر گرامی حضرت امام موسی کاظم (ع)، هفتمین امام شیعیان است. شیعیان بر این اعتقادند که جانشینان حقیقی حضرت رسول دوازده امامی می باشند که از دودمان آن حضرت و دامادش حضرت علی، یکی پس از دیگری ظهور کرده اند. طول مزار حضرت معصومه هشت، عرضش پنج، و بلندیش شش پاست. رو و دورش با کاشی های بسیار عالی و زیبا پوشیده شده، و روپوشی زربفت بر آن گسترده شده است. نیم گام دور از مزار، نرده ای سیمین و توپُر به بلندی شش پا در اطراف آن تعبیه شده، و در هر یک از چهار گوشه اش گویی بزرگ از زر نصب گردیده است. نرده را دور مزار آن نصب کرده اند که زائران نتوانند به مزار مقدس دست بزنند یا ببوسند. روپوش نیز بدین سبب بر آن گسترده شده که مقبره از دید مردمان پنهان بماند، و تنها با موافقت ارشد متولیان و خادمان و پرداختن مبلغی پول به دیدن خود مزار می توان نایل شد. کف بارگاه با قالی هایی پشمین، خوش بافت و گرانبها فرش شده، اما روزهای عید روی آنها قالی های ابریشمین زربفت می گسترانند. ده پا پایین سقف بارگاه چند قندیل نقره آویخته شده است. شکل این قندیل ها، که هر کدام قریب شصت مارک وزن دارد، همانند قندیل های اماکن متبرک مسیحیان نیست؛ زیرا قندیل های بارگاه حضرت معصومه هیچ یک انبار روغن ندارد و آنها رانمی توان روشن کرد. چندان که پرسیدم نتوانستم معنای کلمه قندیل را دریابم. گمان می کنم این کلمه از «کاندیل» لاتینی مشتق شده است. این لفظ را مسیحیان یونانی در باره کسانی به کار می برند که مأمور روشن داشتن مشعل ها و چراغ های معابد می باشند، و بسا ممکن است از کلمه شاندل مشتق شده باشد که در تمام زبان های اروپایی نزدیک به هم تلفظ می شود، اما معنی شان یکی است. مسلمانان به متصدیان روشن داشتن مشعل ها قندیل چی می گویند.

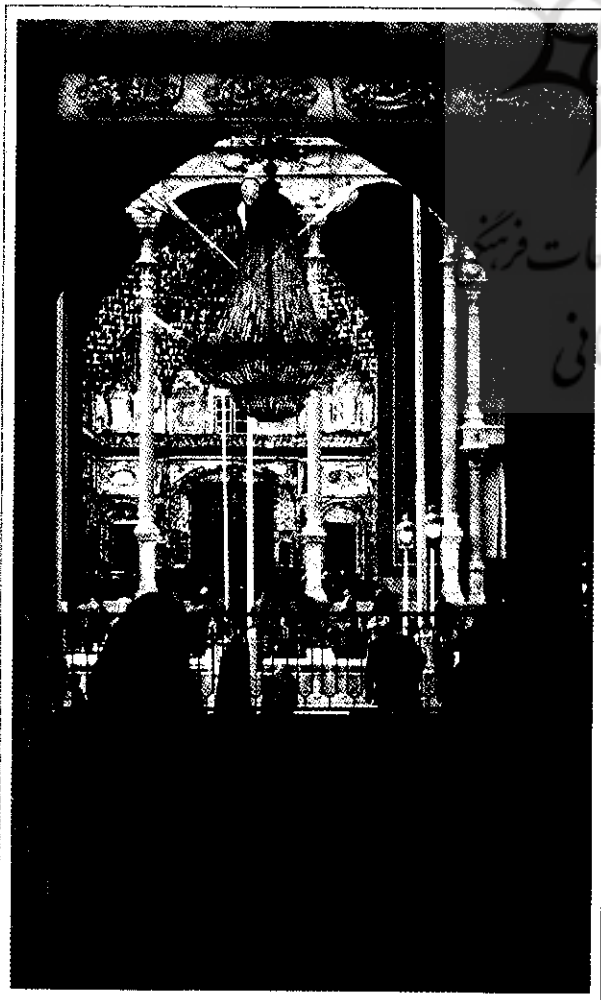
بر نرده مزار او دعاهایی به خط زرین نوشته و آویخته شده است. این دعاها بر پوست هایی که کاملاً صاف و صیقلی شده، نسبتاً ضخیم و به بزرگی ورق کاغذ است، کتابت یافته است. زائر در حالی که با حضور دل به مزار می نگرد، ملایی که همه وقت برای خواندن زیارتنامه آماده است، زیارتنامه را کلمه به کلمه به او تلقین می کند. زائر پس از خواندن دعا و ذکر، دگر بار نرده و سپس آستانه را می بوسد، سپس مبلغی معادل چهار یا پنج سو، به نسبت دارایی خود، به ملا می دهد. زائران پول هایی را که نذر مرقد مطهر حضرت معصومه کرده اند در صندوقچه آهنینی که به شکل مخروط ناقص است و نزدیک در ورودی بارگاه جا دارد می ریزند. هر جمعه در صندوق را باز می کنند، پول هایی را که زائران در آن ریخته اند بر می دارند و میان خادمان حرم



مقدس تقسیم می کنند.

مرقد حضرت فاطمه تازمان حاضر سه بار تعمیر و ترمیم شده است. چون خلفای بغداد شیعیان حضرت علی - علیه السلام - و همه ائمه اطهار را مورد شکنجه و آزار قرار می دادند، امام موسی کاظم، پدر آن حضرت، وی را به شهر قم انتقال داد. حضرت فاطمه طی مدت اقامت خود در این شهر، بناهای بزرگی ساخت و سرانجام در همین شهر جان به جان آفرین تسلیم کرد. شیعیان بر این اعتقادند که به اراده و مشیت باری تعالی آن حضرت پس از مرگ به آسمان ها عروج کرده و در مرقدش چیزی نیست، و این بناهای عالی به یاد وی برپا شده است. دو ساختمان دو طرف آستان مقدس حضرت فاطمه، آرامگاه دو تن از پادشاهان اخیر ایران است.

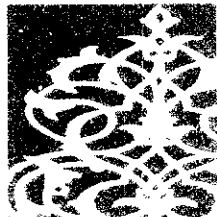
... شامگاهان در سراسر عمارت مرقد، دالان ها، ایوان ها و جاهای دیگر ساختمان شمع می افروزند که تا بامداد روشن است. در بارگاه حضرت معصومه نیز شبانگاهان شمع بسیار روشن می کنند. دو شمعدان بسیار بزرگ که هر یک روی سه پایه سنگینی قرار دارد شبانگاه اطراف خود را نور باران می سازد. هشت تن قاری موظفند که شب و روز به نوبت قرآن بخوانند. این قاریان، بی آنکه به رفت و آمد کسان اعتنا کنند، به قرائت قرآن مجید اشتغال دارند، و گاهی سر خود را به راست و چپ و جلو و عقب حرکت می دهند؛ زیرا بر این باورند که این کار هم بیانگر اعتقاد بیشتر آنان به مبانی مذهبی است، و هم بادقت و توجه افزون تر قرآن را قرائت می کنند. دوازده قاری نیز باید به نوبت بر سر قبر شاه صفی قرآن تلاوت کنند. و بیست و پنج تن نیز به نوبت بر سر گور شاه عباس ثانی قرآن تلاوت نمایند.



در پشت و کنار این هر سه مزار، خانه های زیبا، باغچه ها، بناهای بسیار باشکوه که همه مفروش و پاکیزه و دارای اثاثیه لازم می باشند، واقعند. در مغرب، گورستانی، که متجاوز از هزار و پانصد گام مربع وسعت دارد دیده می شود. در این گورستان گورهای کهنه و نو بسیار است. چون در نظر مردم ایران شهر قم به سبب وجود بارگاه حضرت معصومه در آن، مقدس است و مردم اگر بتوانند جسد مردگان خود را به آن جا می آورند و به خاک می سپارند.

در سمت راست بنا، دیواری بلند و عریض است که از آجر ساخته شده و آن در حقیقت سدی است در برابر طغیان رودخانه قم که از پایین دیوار می گذرد. مردم ایران به این مکان مقدس، آستان مبارک معصومه می گویند؛ و این نام در الهیات سزاوار کسی است که در تمام مدت عمر خود هرگز مرتکب گناه نشده است. در هر سال قریب سه هزار و دویست تومان، معادل صد و چهل هزار لیور، به مصرف نگهداری و دیگر خدمات این بناها می رسد. از این مبلغ هزار و پانصد تومان خرج آرامگاه شاه عباس ثانی، هزار تومان هزینه مقبره شاه صفی، و هفتصد تومان خرج آستان مقدس حضرت معصومه می شود. مخارج نگهداری و تعمیر و ترمیم بناها، هزینه نگهداری اثاثیه، بهای شمع و روغن مشعل ها، خرج روزانه روحانیون ساکن آستانه و طلاب علوم دینی، و هزینه اطعام بینوایان و مستمندان از این محل تأمین می شود.

سه نفر از رجال سرشناس و مهم ایران سمت تولیت بارگاه های سه گانه را دارند و مسؤلیت هر بارگاه به عهده یکی از آنهاست. عایدات و مخارج هر بارگاه زیر نظر مستقیم



متولی آن تنظیم می‌شود. عنوان متولی‌ها «تربت‌دار» است، و انتخاب امام جماعت، برگزیدن مؤذن، قنديل چي، که قنديل‌ها و شمع‌ها را روشن می‌کند، مأموران نظافت که هم بناها را جارو و تمیز می‌کنند، و هم مسؤولیت تهیه آب جهت وضو و تطهیر می‌باشند، از جمله وظایف آنهاست.

پیرمرد سرشناس و محترمی که سابقاً سمّت قورچی‌باشی داشته، یعنی فرمانده کل سی‌هزار مرد سپاهی بوده، اکنون متولی آستانه مقدس است. قم جز این بناها دارای بسیار عمارت‌های رفیع و باشکوه می‌باشد و روی هم رفته شهر خوبی است.»

در سال ۱۶۹۴م/۱۱۰۵ق یک ایتالیایی دیگر به نام «جملی‌کاری» در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمد و آنچه را که دید و شنید، چون نقاشی چیره‌دست به روی کاغذ آورد. «کاری» کمی پس از تاورنیه و سیاحان پیشین و معاصر در برخی زمینه‌ها متفاوت است. کاری نکته‌ای را یاد کرده است که برای ما مسلمانان ایرانی سخت عبرت‌آموز است. او می‌نویسد: «قم چند مسجد زیبا دارد. اگر مخارج هنگفتی که برای بنای مساجد تازه صرف می‌شود، به مصرف تعمیر و نگهداری این چند مسجد قدیمی برسد، آنها را از ویرانی و انهدام نجات خواهد داد. متأسفانه به این نکته توجه نمی‌شود و هر ثروت‌مندی برای آرمزیده شدن گناهان و زنده ماندن نامش به ساختمان مسجد تازه‌ای اقدام می‌کند و لو چند سال پس از مرگ او مبدل به تل خاک شود. از این رو است که روز به روز شمار مساجد ویران افزون می‌شود.»

از نگاه ما انتقاد «کاری» با هر نیتی که گفته باشد نیک و بجاست؛ زیرا همتی که در راه احداث مساجد به کار گرفته می‌شود، هرگز مصروف نگهداری و پاکیزگی آنها نمی‌گردد. چه بسیار مساجدی که بر اثر عدم رسیدگی کافی، ویران و یادست کم کثیف و بدمنظر گردیده‌اند و رونق مسلمانی را برده‌اند.

بخش عمده گزارش کاری از قم مربوط است به حرم حضرت فاطمه معصومه (س). کاری گرچه در این زمینه اشتباه برخی از سفرنامه‌نویسان پیشین را تکرار کرده، حضرت فاطمه معصومه را دختر بی‌واسطه امام حسین (ع) به شمار آورده است، ولی نکته‌هایی دقیق و ظریف از وضعیت حرم مطهر و رواق‌های اطراف آن ثبت کرده است که به راستی ارجمند و زیباست. او در این باره می‌گوید: «راهنمایی اجیر کردم تا همراه وی به دیدن مسجدی که به اندازه مسجد اردبیل مورد توجه و احترام شیعه‌هاست بروم. در این مسجد قبر شاه صفوی و شاه عباس دوم قرار گرفته است، ولی گویا مقبره اصلی مورد احترام، متعلق به فاطمه بنت امام حسین فرزند امام علی و فاطمه زهرا (س) دختر محمد (ص) می‌باشد. در بالای در بزرگ، کتیبه‌ای به خط طلا در ثنای شاه عباس دوم نوشته شده است. میدان درازی که در هر دو سوی آن دکان‌هایی کوچک بنا گردیده و کاروانسرای که در سوی دیگر رودخانه ساخته شده، منظره را تکمیل کرده است. سپس به حیاط وسیعی وارد می‌شویم که چون باغی بزرگ با درختان کاج پوشیده شده و از دو طرف با دیوارهای کوتاهی محصور گردیده و در قسمت جلوی آن گل سرخ و دیگر گل‌ها به حد زیادی غرس و در دست راست، اطاق کوچکی جهت اطعام مساکین بنا شده است.

غریبا و مساکینی که بدان جامی آیند با پارچه‌ای (تیکه‌ای) از گوشت و مقداری نان و پلو رایگان اطعام می‌گردند. چند حجره دیگر نیز همان جا دیده می‌شود که گفتند اشخاص قرض‌داری که نتوانند از عهده پرداخت دین خود برآیند در آن جا متحصن می‌شوند و در طول مدت تحصن به هزینه اوقاف مسجد امرار معاش می‌کنند و طلبکاران نیز راه و اختیاری برای مطالبه طلب خود ندارند.

این حیاط بزرگ به یک حیاط وسیع دیگر متصل است که درختان گوناگون و حجراتی برای خدام و نگهبانان مساجد دارد. از این جادری به حیاط مربع زیبای دیگر باز می‌شود. حوض پرآب و فواره‌ای در حال فوران دارد. در تمام اطراف آن حجرات و اطاق‌هایی جهت ملاها و طلاب علوم دینی بنا گردیده. بعد از بالا رفتن از دوازده پله آجری رنگارنگ که در پای جلو خان زیبایی قرار دارند، وارد حیاط چهارم می‌شویم که در آن حجراتی



برای طلاب و همچنین مسجد کوچکی بنا شده که نمای قشنگی دارد. سه در، در زیر سردرِ بزرگ آن به چشم می‌خورد؛ وسطی بزرگ است و به مسجد باز می‌شود، دست راستی به مقابری باز می‌شود که در پیش بدان‌ها اشارت رفت، سومی یعنی دست چپی به تالاری باز می‌شود که در آن بین فقرا صدقه توزیع می‌گردد، با این فرق که آستانه و درگاه در وسطی با صفحات نقره پوشیده شده است. وقتی به این جا رسیدم چند تن از ملاحا مشغول مطالعه کتاب‌های بزرگی بودند، یکی به جلو آمد جهت تماشای داخل راهنمایی کرد. در این جا برایم روشن شد که نوشته تاورنیه که ورود مسیحیان را به این محل ممنوع دانسته، بی اساس است.

داخل مسجد هشت ضلعی است، هشت در کوچک گردویی دارد. قبر فاطمه، نواده محمد (ص)، در وسط مسجد قرار گرفته و نسبت بدان مسجد کوچک، تقریباً بزرگ است. از کنار قبر فقط راهی برای عبور زائران باقی مانده است. روی این قبر چهار گوش، روپوش زربفتی انداخته‌اند، اطراف قبر را نیز نرده‌های نقره‌ای به ارتفاع شانزده پالم محصور گردانیده، زائران چراغ‌هایی از نقره و طلا بدین نرده‌ها بسته‌اند. بنای مسجد آجری است. روی آجرها نقاشی شده و سطح داخلی گنبد به وسیله طلا و لاجورد با اشکال هندسی تو در تو تزئین یافته است. دست راست به اتاقی راه دارد مانند اتاق مجاور که در آن، جهت جلوگیری از اغتشاش، بین فقرا صدقه توزیع می‌گردد و با فرش‌های خوب پوشیده شده است. از سمت راست که انسان سه پله بالا رود، با دو در روبه‌رو می‌شود؛ یکی از آنها مدخل تالاری است مفروش که راهی به مقبره شاه صفی دارد. قبر شاه صفی چهار پالم بلندتر از سطح زمین و پوشیده از پارچه‌ای زربفت است. مقبره از چهار سو دری دارد؛ یکی به مقبره فاطمه و یکی به مقبره شاه عباس و دوتای دیگر هر کدام به حجره‌ای باز می‌شود.

همه این مقابر گنبد آجری دارند. دور تا دور مقبره شاه عباس خانه‌های کوچکی تعبیه کرده و در آنها اشیای گرانبها و نفیس قرار داده‌اند. کف مقبره نیز فرش گرانیز می‌دارد. در یکی از حجره‌ها کتابخانه‌ای برای مطالعه ملاحا ترتیب داده شده. به روی مقبره شاه عباس حریر سبزه‌پر قیمتی انداخته‌اند که با طلا و لاجورد روی آن نقاشی و سخنانی به عربی نوشته شده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این فراز از گزارش کاری شامل جنبه‌های معماری، هنری و معنوی حرم مطهر حضرت معصومه می‌شود و نیز به نقش اجتماعی حرم اشاره کرده است. چنان که گذشت کاری از تحصن بدهکاران و گرفتاران در اطراف مرقد دختر پیامبر (ص) و اطعام و اعطای صدقه به نیازمندان به نیکی یاد کرده است.

یکی دیگر از سیاحان اروپایی که مساجد قم را بررسی کرده است بارون دویلد، بازرگان روسی، است. وی در سر راه خود، به قم می‌رسد و لحظاتی را در این شهر به سر می‌برد. این بازرگان نکته‌سنج و فعال روسی شرح مشاهدات خود از شیوه زندگی، خصوصیات اخلاقی، تجارت و صنعت مردم را دیده و به قلم آورده است. او درباره مساجد و بقاع متبرکه شهر مقدس قم می‌نویسد: «سه مکان هست که شیعیان به زیارت آن جا می‌روند. شهر مشهد که درجه تقدس آن از دوتای دیگر کمتر است؛ کسانی که زیارت مرقد امام رضا (ع) می‌روند «مشهدی» خطاب می‌شوند. مرتبه بعدی «کربلایی» است که از حرمت بالاتری برخوردار است؛ در حالی که فقط کسانی می‌توانند مدعی عنوان «حاجی» باشند که به زیارت کعبه و قبر پیامبر در مکه و مدینه رفته باشند. جالب است گهگاه شاهد منزلی هستیم که عده‌ای، خصوصاً در میان طبقات پایین‌تر جامعه، به رجحان این القاب می‌دهند. اگر به شخصی که شایسته استفاده از عنوان برتر کربلایی، و یا از آن بالاتر صاحب لقب مطمئن حاجی است، مشهدی خطاب کنید او را آزرده خاطر می‌سازید. به این ترتیب مشهدی، کربلایی و حاجی القابی برای امتیاز محسوب می‌شود و دارندگان آن غرور کمی هم ندارند و اغلب اوقات به آن اندازه هم نادان هستند که این عناوین را مزیدی بر شایستگی شخصی خود می‌پندارند. لیکن به عوض محکوم کردن قضاوت فریب‌آمیز دیگران موظفیم به خویشتن بنگریم و ببینیم آیا ما نیز توسط انگیزه‌های مشابه و در لوای رنج همان ضعف‌های اسفناک در معزز شمردن تصورات مقام دنیوی و عناوین خودمان سوق داده نمی‌شویم؟»

در شهر مقدس قم که مرقد فاطمه (ع)، خواهر یکی از امام‌های بزرگ، در آن واقع است فقط مدت کوتاهی آن هم در یک کاروانسرای مخروبه توقف نمودم...».

هرچند تا زمان مورد بحث، رفت و آمد جهانگردان و بازرگانان روسی به ایران چندان زیاد نبوده است، ولی گروه انگشت‌شماری که به دیدار این سرزمین آمده‌اند، در بیان مشاهدات خود، قلم به تحقیر و بدبینی هم آلوده‌اند.

حضور دو هنرمند در هیأت اعزام شده از فرانسه، یعنی اوژن فلاندن به اتفاق هنرمند هموطن خود پاسکال کست به ایران نیز حاوی نکاتی تأمل‌برانگیز است. فلاندن مانند اغلب جهانگردان اروپایی به جای سپاسگزاری از مهمان‌نوازی ایرانیان در دوره اقامت دو سال و نیمه خود، علی‌رغم ستایش از هنر و ذوق و استعداد و هوشمندی ایرانیان، می‌کوشد تا چهره زشتی از روحیات و اخلاقیات و آداب و رسوم و به طور کلی فرهنگ ایرانی ارائه کنند، به ویژه آن جا که سخن از عقاید و احکام اسلامی به میان می‌آورد این بدبینی و بدنمایی افزون‌تر می‌شود. او جا به جانمایی از خشونت در سیمای مردم ایران تصویر می‌کند که بی‌تردید برای کسانی که ایران و ایرانیان را از نزدیک مشاهده نکرده‌اند، ناخوشایند است. اوژن فلاندن و هیأت همراه او آثار باستانی ایران در شهرهای تاریخی را از نزدیک مشاهده و بررسی کرده‌اند. فلاندن درباره بناهای مذهبی شهر مقدس قم چنین می‌نویسد: «... [شیعیان] خاک قم را مقدس و محترم می‌دانند و از این لحاظ عدّه‌ای از مقدسین مدفن خود را در قم قرار داده‌اند. قم مقابر متعدد و زیادی دارد که امامزاده یعنی مرقد اعقاب علی (ع) هستند... مقبره فاطمه، که ایرانی‌ها «معصومه» می‌نامند، در تمام مشرق، احترامی بسزادارد و مردم از آکناف به زیارتش می‌آیند، این فاطمه نوه علی (ع) است که به همراهی پدرش امام موسی به قم آمد؛ چه امام موسی کاظم می‌خواست از ستمگری‌های خلفای بغداد رهایی یابد. هنگام نزعش مردم تصور کردند که خدا او را به آسمان برده است. اگرچه مقبره‌اش خالی است ولی عقیده عموم بر این است که شایان احترام و زیارت می‌باشد.

این مقبره از مرمر، طلا و موزاییک است. تالاری وسیع دارد که یک تکه نقره می‌باشد. در داخلش به اطراف پیشکش‌هایی را که از قبیل سلاح، سنگ‌های قیمتی، لباس‌های گرانبها آورده‌اند دیده می‌شود، گنبدش راهم فتحعلی شاه از طلا زینت داده است. مانند سایر اماکن که بدان‌ها پامی گذارم خواستم بدین مرقد هم وارد شوم. در اثر انعامی که به فراش‌باشی یا راهنمای بیگانگان وعده دادم، مرا از پیچ و خم‌های این حیاط‌ها عبور داد و به زحمت تا آخرین پله که به بقعه یا مرقد می‌رود پیش رفتم. با بهت و تعجب درب مقبره را تماشا می‌کردم که یک مرتبه ملایی غضبناک نزدیک شد. اگرچه جرأت نکرد به سوی من پیش آید، ولی راهنمایم را فحش و ناسزای داد و بدو دستور داد به فوری این عیسوی را از این محل بیرون بر که حتی حضور و راهی را که می‌پیماید نجس می‌سازد. این جملات را به تندی و با شدت بیان کرد و مانند ستاره‌ای مقدس که بر قلب ایرانیان تصویر اندازد از نظر ناپدید شد.»

صرف نظر از درستی و یا نادرستی گزارش اوژن فلاندن از وضع قم و حرم مطهر حضرت معصومه (س)، با قاطعیت می‌توان گفت که اظهارات او درباره هجرت امام موسی بن جعفر (ع) به ایران و باور شیعیان مبنی بر عروج جنازه وی به آسمان، بر پایه روایات و منابع شیعی بی‌پایه است. فوریه، طبیب دربار ناصرالدین شاه قاجار، نیز از دیگر فرانسویانی است که به توصیف مزار حضرت معصومه (س) در قم پرداخته است. فوریه در سفرنامه‌اش که در مورخ ۱۹ مه ۲۲ شوال نگاشته، آورده است: «وجود این مزار در این نقطه باعث آمده است که شیعیان از جمیع نقاط، اموات خود را برای دفن به این جا بیاورند، چنانکه شاه صفی و شاه عباس و شاه سلیمان از سلسله صفویه و فتحعلی شاه و محمدشاه از سلسله قاجاریه در این محل مدفونند. ناصرالدین شاه هم در همین نقطه در کار تهیه قبری جهت خود هست و امین‌السلطان هر سال برای فاتحه خوانی بر سر قبر مادر خود به این جا می‌آید.»

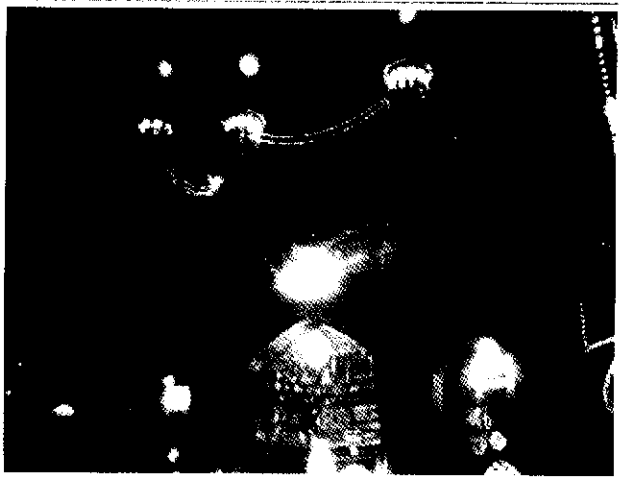
ایرانگرد آلمانی، هنریش کارل بروگش، (۱۸۲۷-۱۸۹۴) که درباره ایران نیز پژوهش‌های بسیار کرده و دوباره به ایران سفر کرده است، در سفرنامه‌اش به شهر مقدس قم پرداخته است. او آنچه را که درباره این دیار دیده و شنیده، از مدخل شهر تا آستانه مقدسه و حرم حضرت معصومه (س)، را چنین به قلم می‌آورد: «... دورنمای قم به معنی واقعی کلمه از فاصله چند میلی می‌درخشد؛ زیرا گنبد زیارتگاه این شهر را با ورقه‌هایی از طلا پوشانده‌اند که نور آفتاب را به شکل خیره‌کننده‌ای منعکس می‌کند. شاهان ایران علاقه زیادی دارند به این که گنبد بناهای مقدس را - مانند مزار امامان و امامزاده‌ها - با ورقه‌های طلا و نقره بپوشانند. زایرانی که

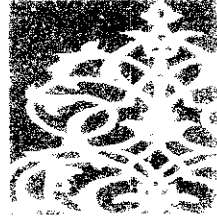
به شهر مشهد، که در شمال شرقی ایران نزدیک مرز روسیه قرار دارد، رفته‌اند، درباره شکوه مقبره امام رضا (ع) و درخشش خیره‌کننده گنبد زرین آن با بیان احساسی سخن می‌گویند. هر چند باید گفت که توصیف آنها اغراق‌آمیز نیست چرا که سیاحان اروپایی هم گفته‌هایشان را تأیید کرده‌اند، و درباره ثروت و شکوه و جلال بارگاه امام رضا (ع) مطالب اعجاب‌آوری نوشته‌اند. نقره و طلا، ضریح بزرگ نقره‌ای و پوشش ضخیم طلایی که روی مناره‌ها کشیده شده، میناکاری‌های رنگارنگ بر زمینه طلایی و جواهرات زیادی که آن جا وجود دارد، این مکان مقدس را که در میان زیارتگاه‌های ایران مقام نخست را داراست، بسیار شکوهمند کرده است. شهدی‌ها یا زایرانی که از زیارت مشهد مقدس بازگشته‌اند، از اینکه توانسته‌اند در کنار مقبره امام رضا (ع) بایستند و نماز بخوانند، احساس خوشبختی می‌کنند.

همان معنایی که مشهد برای زایران مرد دارد، شهر قم برای بانوان ایران داراست. آنان حضرت فاطمه، خواهر امام رضا، را حامی خود می‌دانند و در سراسر سال برای زیارت مقبره‌اش به قم می‌آیند و هفته‌ها بلکه ماه‌ها در این شهر می‌مانند. هجوم زایران زن به این شهر آن قدر زیاد است که در پاره‌ای از فصول واقعاً جای مناسبی برای سکونت یافت نمی‌شود. این مقبره هم، از جلال و شکوه چیزی کم ندارد. کاشیکاری‌های مناره‌ها و سردر آن بسیار زیباست. طلاکاری‌ها و نقره‌کاری‌های زیبای ضریح مقدس واقعاً چشم را خیره می‌سازد. تعداد چهارصد چراغ مرصع در اعیاد بزرگ اطاق‌های تاریک و محل مقبره را روشن می‌کنند. خدمتکاران پیوسته از شکوه و جلال گنبد و مقبره فاطمه در قم و همین‌طور از مقبره‌های فتحعلی‌شاه و چند تن از فرزندان‌ش که بنا به وصیتشان در اینجا دفن شده‌اند، سخن می‌گفتند.

اعتقاد زنان ایران نسبت به این زیارتگاه، که رسماً به عنوان یک بست تعیین شده، فوق‌العاده زیاد است. آنان مزار این باکره مقدس را به سان آرامگاه «زینب» [سته زینب] دختر [حضرت] علی و نوه پیامبر در مصر، مکانی مقدس به شمار می‌آورند و این باکره را یکی از حامیان خود می‌دانند و چنین اعتقاد دارند که اگر کسی بر مزار وی به شکل معینی دعا بخواند، آرزویش برآورده می‌شود؛ مثلاً بی‌توجهی و بی‌مهری شوهر نسبت به زن به محبت تبدیل می‌شود یا اگر زنی نازا باشد صاحب فرزند می‌شود؛ زن بی‌وفا بخشیده می‌شود و عشق و علاقه شوهرش به او افزایش می‌یابد. این موضوع باعث شده است که همواره زنان زیادی از سراسر ایران به قم بیایند. نه فقط زندگان که مردگان نیز به سوی مزار حامیشان جلب می‌شوند؛ زیرا بسیاری از ایرانیان وصیت می‌کنند که پس از مرگ در جوار این بانوی مقدس دفن شوند. از این رو گورستان پیرامون شهر بسیار وسیع شده و روز به روز به وسعتش افزوده می‌شود.

قم مدفن قدیسین دیگری هم هست. بنا به گفته اهالی محل، قم دارای ۴۴۴ امامزاده کوچک و بزرگ است. سه بار عدد چهار معنای خاصی دارد؛ زیرا در زبان فارسی عدد چهل مانند عدد صد در نزد ما مفهوم کثرت را می‌رساند؛ مثلاً به تالاری





که دارای ستون‌های زیادی است «چهل ستون» می‌گویند، جار را «چهل چراغ» و هزارپا را «چهل پا» و گاهی اوقات هم ویرانه تخت جمشید را «چهل منار» می‌نامند.

پیوسته ۱۲

۱. سیری در سفرنامه‌ها، فؤاد فاروقی، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۶۱.
۲. سفرنامه‌دن گار سیادسیلو افینگو نروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۳. سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شجاع‌الدین شفاء، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۸.
۴. سفرنامه‌التاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۲.
۵. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، محمود محمود، ج ۱، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
۶. خاطرات مأموریت ژنرال گاردن در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۷. فلان‌دن، اوژن، سفرنامه‌فلان‌دن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۶۲.
۸. شرح حال عباس میرزا ملک آراء، عبدالحسین نوایی، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶.
۹. روزنامه‌خاطرات ناصرالدین شاه، سفر سوم فرنگستان، کتاب دوم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، بی‌تا.
۱۰. سه سال در ایران، دکتر فوریه، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، مقدمه مؤلف، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. شاردن، سفرنامه‌شاردن، ترجمه حسین عریضی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۶۲.
۱۲. تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه‌تاورنیه، ترجمه ابو تراب نوری، اصفهان: انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید، ۱۳۶۳.
۱۳. صاحبی، محمدجواد، «قم از نگاه بیگانگان»، ماهنامه کوثر، شماره‌های ۱۱ تا ۱۲، فروردین - اسفند ۱۳۷۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی